

نوع مقاله: پژوهشی

حمایت از فعالیت اقتصادی در دریای آزاد

سیدبایسر ضیایی^۱، محسن قدیر^۲، مصطفی آبادی خواه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

چکیده

بر پایه قوانین معاهدات سرمایه‌گذاری، یکی از الزامات فعالیت اقتصادی در دریا، وجود پیوند میان فعالیت یادشده و مناطق دریایی دولت میزبان است؛ بنابراین، فعالیتی از حمایت معاهدات برخوردار است که در صلاحیت ملی طرف‌های معاهده باشد. بر این اساس، امکان توسعه حمایت معاهداتی در دریای آزاد با دشواری‌هایی روبه‌رو است. افزون بر این، نبود قانون مشخصی در این زمینه، فعالیت‌های اقتصادی در آینده را با چالش همراه می‌کند؛ از این‌رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «چگونه می‌توان فراتر از مناطق دریایی دولت‌ها، از حمایت موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری برخوردار بود؟» جستار حاضر با استفاده از دوروش کمی و کیفی در راستای حل و فصل چالش موجود، گام برداشته و به نتایجی دست یافته است. نخست، با واکاوی ۱۵۲ موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری دریافتیم که ایران و اتحادیه اروپا برای تعیین محدوده قلمرو خود از سه رویکرد صریح، ضمنی، و سکوت استفاده کرده‌اند و در این راستا در «معاهده مششور انرژی (۱۹۹۴)» و «معاهده اتحادیه اروپا و کانادا (۲۰۱۶)» که رویکرد صریحی در مورد سرزمین داشته‌اند، در پاسخ به چالش موجود به «ماهیت فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری»، که همانا راه‌حل این چالش است، اشاره شده است. دوم، این اصل، هر نوع ماهیتی را دربر نمی‌گیرد، بلکه تنها دربرگیرنده «ماهیت فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری با رویکرد جهانی» است که می‌توان اعمال آن را به گونه‌ای دقیق‌تر در «سرمایه‌گذاری یا فعالیت اقتصادی بر کابل‌ها و خطوط لوله» مشاهده کرد، زیرا دارای ماهیتی جهانی هستند و در حال حاضر تنها مصداق از فعالیت‌های اقتصادی به‌شمار می‌آیند که به‌لحاظ ماهیتی، قلمرو جغرافیایی سرمایه‌گذاری آن در دریای آزاد نیز امتداد یافته است؛ از این‌رو، نوشتار حاضر با استنباط از دعوی «دویچ بانک علیه سریلانکا» و اعمال استدلال‌های آن در مورد فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری بر کابل‌ها و خطوط لوله با ماهیتی جهانی، لزوم توسعه حمایت معاهداتی به دریای آزاد را اثبات کرده است.

واژگان کلیدی: حمایت از فعالیت اقتصادی، حقوق دریاها، اتحادیه اروپا، دریای آزاد، ایکسید

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
yaserziaee@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
Mn.ghadir@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)
Abadikhahmostafa@gmail.com

Economic Activity Protection in the High Sea

Seyed Yaser Ziaee¹, Mohsen Ghadir², Mostafa Abadikhah³

Abstract

According to the terms of the investment treaties, one of the conditions for sea economic activities is the link between such activities and the host state's maritime zones. Therefore, every move has the protection of treaties when they are within the national jurisdiction of the parties to the treaty. Hence, it is difficult to expand the protection of treaties for investment beyond national jurisdiction. Besides, the lack of clear regulations in this field challenges future investments. The fundamental question is how to gain protection under investment agreements beyond the maritime areas of states? The present paper aims to resolve the existing challenge using quantitative and qualitative methods and achieved results. First, in the analysis of investment agreements, Iran and the European Union have used three explicit, implicit, and silence approaches in defining the scope of their territory, and in this regard, in the "Energy Charter Treaty (1994)" and the "EU and Canada treaty (2016), which have taken an explicit approach on territory, have referred to the "nature of economic activity and investment" in response to the challenge, which is the solution to this challenge. Second, it does not encompass any kind of nature, but only implies the "nature of the economic activity and investment with a global approach" that can be applied more precisely to "investment or economic activity in cables and pipelines" because they have a global nature and are currently the only example of economic activity that steps into the high sea and to effective, the protection has to accompany with the economic activity. Therefore, by inferring from the case of "Deutsche Bank v. Sri Lanka" and the application of arguments on economic activity and investment in cables and pipelines with a global nature, the present article has proven the need to extend the investment protection into the high sea.

Keywords: Economic activity protection, Law of the sea, European Union, High Sea, ICSID

1. Associate professor of School of law, Qom university

yaserziaee@gmail.com

2. Assistant professor of School of law, Qom university

3. Ph.D student of public International law, Qom university

مقدمه

امروزه از دریاها به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های کره زمین برای فعالیت اقتصادی یاد می‌شود (Brown, 2013: 719). بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با سرمایه‌گذاری مانند اکتشاف، بهره‌برداری، خطوط لوله، کابل‌ها، و... در دریا رخ می‌دهد. این شرایط، سبب شده است که کشورها برای تأمین امنیت در روابط اقتصادی در رابطه با شرکای ممتاز خود به «انعقاد موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی»^۱ گرایش داشته باشند (Kashar, 2011: 28). دو قلمرو پیشرو در زمینه تصویب موافقت‌نامه‌های یادشده، ایران و اتحادیه اروپا هستند که تا امروز به ترتیب ۷۵ و ۷۷ معاهده سرمایه‌گذاری را منعقد کرده‌اند. برپایه مقدمه معاهده‌های سرمایه‌گذاری، اولویت آن‌ها پشتیبانی از فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری است که این کار، توجه به تعیین قلمرو را در پی داشته است. در مقدمه معاهده «اتحادیه اروپا و گروه سادس (۲۰۱۶)»^۲ در بیان هدف چنین آمده است: «موافقت‌نامه حاضر، طرفین را به روابط اقتصادی گسترده به منظور... حمایت از سرمایه‌گذاری... (در سرزمین طرفین)»... تشویق می‌کند^(۱). همه معاهدات سرمایه‌گذاری، پشتیبان مهمی برای روابط اقتصادی هستند، زیرا بسیاری از قواعدشان مبتنی بر حمایت از سرمایه‌گذاران است (freeman, 2004: 213). چنان‌که ایکسید در دعوی «شرکت وینترشال علیه آرژانتین»^۳ عنوان کرد: «امروزه در چارچوب معاهدات تجاری ترتیبات حل و فصل اختلاف به‌گونه‌ای مستحکم با حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی مرتبط هستند» (ICSID, Case No. ARB/04/14; para 180). براین اساس، در راستای پشتیبانی معاهده از فعالیت اقتصادی، پیوند سرزمینی^۴، از پیش‌زمینه‌های بنیادین رابطه دولت میزبان و سرمایه‌گذار است (Clare, 2018: 112). در همه موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، پیوند سرزمینی وجود دارد، زیرا مفاهیمی مانند پشتیبانی از فعالیت اقتصادی و صلاحیت دیوان در معاهدات، به پیوند سرزمینی نیاز دارند^(۲)؛ از این رو، لزوم تعیین قلمرو آبی در فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های دریایی، هماهنگ با لزوم وجود پیوند سرزمینی، ایران و اتحادیه اروپا را بر آن داشت تا در معاهدات سرمایه‌گذاری خود به مناطق دریایی زیرمجموعه

-
1. International Investment Agreements (IIAs)
 2. EU - SADC EPA Group Agreement(2016)
 3. Wintershall Aktiengesellschaft V. Argentine Republic
 4. territorial nexus

«کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها»^{۱)} نیز توجه کنند. برپایه کنوانسیون یادشده، مناطق دریایی شامل آب‌های داخلی، دریای سرزمینی^{۲)}، منطقه مجاور، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره، دریای آزاد، و بستر دریا می‌شود (Mom, 2005: 5). به‌طورکلی، یک موافقت‌نامه، تنها از فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری ای حمایت می‌کند که در سرزمین یکی از طرفین معاهده رخ دهد (Trevisanut, 1979: 797) و این امر به‌عنوان یک نکته کلیدی در همه معاهدات سرمایه‌گذاری^{۳)} نیز آمده است (Matsuura, 2017: 4). در واقع، پیوند سرزمینی، مرزی را برای دستیابی به حمایت معاهده سرمایه‌گذاری تعیین می‌کند (kleiner, 2018: 315). مناطق دریایی مرتبط با سرمایه‌گذاری را می‌توان در دو دسته جای داد؛ نخست، مناطق دریایی ای که در چارچوب صلاحیت دولت‌ها هستند و حمایت موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری در آنجا اعمال می‌شود؛ دوم، مناطق دریایی فراتر از صلاحیت دولت‌ها^{۴)} که حمایت از سرمایه‌گذاری مربوط به موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، در آنجا اعمال نمی‌شود. در این راستا، مسئله موردبررسی مقاله حاضر، دسته دوم است؛ از این رو، همسو با اهداف پژوهش حاضر، فرضیه‌هایی مطرح می‌شود؛ «نخست اینکه تنها موافقت‌نامه‌های ایجادشده در «سرزمین دولت میزبان» در محدوده حمایت موافقت‌نامه قرار می‌گیرد (kleiner, 2018: 139) و سرمایه‌گذاری فراتر از سرزمین دولت با مشکل پشتیبانی نکردن معاهدات سرمایه‌گذاری روبه‌رو است». دوم اینکه، «از آنجاکه مسئله حمایت از سرمایه‌گذاری، به سرزمین وابسته است، باید راه‌حل را با توجه به رویکرد معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا و آرای ایکسید در تعریف سرزمین، به‌دست آورد». جستار حاضر برای تحلیل مطالب از دوروش کمی و کیفی استفاده کرده است. چنان‌که برای بررسی فرضیه‌های یادشده برپایه روش کمی، ۷۷ معاهده سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا و ۷۵ معاهده سرمایه‌گذاری ایران^{۵)} بررسی شده^{۶)} و با تحلیل دقیق آن‌ها، الگوهای دقیقی از رویکردهای موجود درباره تعریف سرزمین، ارائه شده است. همچنین، افزون بر تحلیل این موافقت‌نامه‌ها برپایه روش کیفی، به آرای ایکسید و آنسپترال نیز مراجعه شده است؛ از این رو، در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی پژوهش که «چگونه می‌توان فراتر از مناطق دریایی دولت‌ها در دریای آزاد از حمایت موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری برخوردار بود؟»

1. United Nation Convention on the Law of the Sea 1982 (UNCLOS)

نکته‌های زیر مطرح می‌شود. نخست، بررسی مناطق دریایی زیر نظر کنوانسیون حقوق دریاها هماهنگ با مناطق مطرح شده در معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا. دوم، تعیین محدوده سرزمین براساس آنچه که در معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا مطرح شده است. در این راستا، همه معاهدات ایران و اتحادیه اروپا بررسی گردیده است. سوم، پس از تحلیل حمایت از فعالیت اقتصادی در دریای آزاد و طرح مشکل اصلی، راه‌حل مؤثری بررسی شده است که از معاهدات سرمایه‌گذاری و آرای ایکسید استنباط می‌شود.

۱. مناطق دریایی از دیدگاه کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)

کنوانسیون حقوق دریاها، برپایه اینکه هر منطقه، حقوق و تعهدات مشخصی را برای دولت ساحلی، دولت‌های دیگر، و کشتی‌های خارجی در نظر می‌گیرد، دریا را به مناطق دریایی گوناگونی تقسیم کرده است (Kastrision, 2017: 2)^(۸). برای حمایت از فعالیت اقتصادی باید تقسیم‌بندی مورد توجه کنوانسیون حقوق دریاها را در نظر داشته باشیم، زیرا رژیم‌های قانونی گوناگونی را با افزایش فاصله از ساحل و کاهش کنترل دولتی اعمال می‌کند (Cotula, 2020: 2). افزون‌بر این، دولت‌ها در معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی با در نظر گرفتن رویکردهای شفاف‌تر در مورد تعریف سرزمین در راستای تعریف مناطق دریایی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، می‌توانند ضمن پیش‌بینی حمایت‌های لازم از فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، محیط مطلوب و جذابی را برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کنند؛ از این رو، با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها از انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری در روابط اقتصادی بین‌المللی، ایجاد وجهه مطلوب برای خود در سطح بین‌المللی، به‌عنوان مکان ایمنی برای سرمایه‌گذاری است (Hasibi, 2011: 122)، بی‌تردید، قوانین و رویکرد شفاف برای تعیین قلمرو اقتصادی، بیش‌ازپیش به آن‌ها برای رسیدن به این هدف کمک می‌کند؛ بر این اساس، در راستای ایجاد ارتباط میان این دو حوزه، مناطق دریایی زیر اهمیت دارند:

• آب‌های داخلی^۱، که همه آب‌های پیش از خط مبدأ به‌سوی خشکی را دربر می‌گیرد، در واقع، بخشی از سرزمین دولت به‌شمار می‌آید^(۹). مصداق‌های آب‌های داخلی را می‌توان دو سطح از آب‌ها دانست: ۱) آب‌های داخلی‌ای که در قلمرو خشکی دولت‌ها قرار گرفته‌اند^(۱۰)، ۲) آب‌های

1. internal water

داخلی‌ای که نزدیک سواحل دولت‌ها به سوی خشکی قرار گرفته‌اند (Matin Daftary, 2008: 138). کنوانسیون حقوق دریاها در بند ۱ ماده ۸، برای اشاره به آب‌های داخلی مورد نظر کنوانسیون، از عبارت «بخشی» استفاده می‌کند. چنان‌که در این بند آمده است: «... آب‌های واقع در سمت خشکی خط مبدأ دریای سرزمینی، بخشی از آب‌های داخلی کشور را تشکیل می‌دهد»^(۱۱). این بند نشان می‌دهد که بخشی از آب‌های داخلی که در داخل کشور واقع است، مقصود کنوانسیون نیست. برپایه اصول امنیت ملی کشور ساحلی، آب‌های داخلی، در چارچوب حاکمیت کشورهای ساحلی قرار دارند و کشورهای دیگر تنها با اجازه کشورهای ساحلی حق کشتی‌رانی و بهره‌برداری از آن‌ها را دارند (Yang, 2006: 48)؛ از این رو، دولت ساحلی در این منطقه از حاکمیت کامل در آب‌ها، بستر دریا، خلیج‌ها^(۱۲) و فضای بالای آن برخوردار است (Matin Daftary, 2008).

• دریای سرزمینی^(۱۳): حقوق بین‌الملل دریاها، با توجه به دیدگاه‌های حقوقدانان درباره دریای سرزمینی^(۱۴)، ماهیت حقوقی مشابه آب‌های داخلی را برای این منطقه برگزیده است (Churchill, 2006: 104). بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون حقوق دریاها، برای بیان گستره حاکمیت در دریای سرزمینی می‌گوید: «حاکمیت یک کشور ساحلی تا آن سوی قلمرو زمینی و آب‌های داخلی آن، و اگر آن کشور مجمع‌الجزایری باشد، تا نزدیکی یک کمربند دریایی که آب‌های سرزمینی نامیده می‌شود، امتداد دارد». این حاکمیت بر فضای بالای دریای سرزمینی و نیز بر بستر و زیر بستر دریای آن اعمال می‌شود^(۱۵). حاکمیت کشور ساحلی بر دریای سرزمینی با حفظ حق آزادی عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی همراه است^(۱۶) و از آنجا که حقی عرفی است، برای اجرای آن نیازی به دادن آگاهی پیشین یا دریافت اجازه از دولت ساحلی نیست (Talaei, 2013: 79).

• منطقه انحصاری اقتصادی^۱: این منطقه که در نزدیکی دریای سرزمینی دولت ساحلی است، از عرض ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأ فراتر نمی‌رود^(۱۷). دولت ساحلی در این منطقه برای اکتشاف، استخراج، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی زنده و غیرزنده آب‌های بالای بستر، روی بستر و زیر بستر دریا و استخراج اقتصادی منطقه، از جمله تولید نیرو از آب، امواج و بادهای از حقوق حاکمه، و ایجاد جزایر مصنوعی و تأسیسات و بناها، پژوهش‌های علمی دریایی، و حفاظت از

1. Exclusive Economic Zone (EEZ)

محیط زیست دریا از صلاحیت برخوردار است^(۱۸). در مقابل، دولت‌های خارجی از حق آزادی کشتیرانی و نصب کابل و لوله برخوردارند. بخش ابتدایی این منطقه که گستره آن از ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأ فراتر نمی‌رود، منطقه مجاور^۱ نامیده می‌شود. دولت ساحلی بر منطقه مجاور حاکمیت ندارد (Sun, 2011: 179)، در عوض، برای انجام کارهای اجرایی در برابر تخلف‌های گمرکی، مالی، مهاجرتی، و بهداشتی که در سرزمین و دریای سرزمینی‌اش رخ می‌دهد، از حقوق حاکمه برخوردار است (Talaei, 2013: 2).

• فلات قاره^۲، که در واقع بستر و زیربستر دریای سرزمینی دولت ساحلی است (Sun, 2011: 184)، از خط مبدأ، آغاز می‌شود و تا آن سوی دریای سرزمینی آن کشور در سرتاسر امتداد طبیعی قلمرو زمینی‌اش تا لبه بیرونی حاشیه قاره‌ای یا تا مسافت ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأ که گستره دریای سرزمینی از آن اندازه گرفته می‌شود و لبه بیرونی حاشیه قاره‌ای تا آن مسافت نمی‌رسد، گسترش می‌یابد^(۱۹). گفتنی است، در پشت‌های زیر دریایی، حد خارجی فلات قاره از ۳۵۰ مایل دریایی خطوط مبدأ که عرض دریای سرزمینی از آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود، تجاوز نخواهد کرد^(۲۰). همچنین، دولت ساحلی در این منطقه دارای حقوق حاکمیتی در راستای اکتشاف، بهره‌برداری، حفاظت، و مدیریت منابع طبیعی غیرزنده است (Hasan, 2018: 92).

• دریای آزاد: این منطقه از دریا، بر پایه کنوانسیون حقوق دریاها دربرگیرنده مناطقی است که «آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی، یا آب‌های مجمع‌الجزایری یک کشور مجمع‌الجزایری نباشند»^(۲۱) و هیچ دولتی برای بهره‌برداری از آن، صلاحیت یا حقوق حاکمه ندارد^(۲۲). البته بر پایه بند ۱ ماده ۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها، کشتی و کشتیرانی در دریای آزاد در صلاحیت کشور صاحب پرچم آن کشتی است (Abadikhah, 2017: 188).

۲. تعریف قلمرو دریایی در معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا

در بسیاری از موارد، معاهدات ایران و اتحادیه اروپا، بخش جداگانه‌ای را برای تعیین حدود قلمرو سرزمینی‌ای که فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن انجام می‌شود، در نظر گرفته‌اند، اما گاهی

1. contiguous zone
2. continental shelf

نیز در آن‌ها، بخش جداگانه‌ای برای تعریف سرزمین وجود ندارد. با این حال، همهٔ معاهدات سرمایه‌گذاری، موضوع پیوند سرزمینی — که به لزوم ارتباط میان فعالیت اقتصادی و سرزمین دولت میزبان اشاره می‌کند — را در خود دارند. پیوند یادشده، حتی در معاهداتی که تعریف جداگانه‌ای برای سرزمین در نظر نگرفته‌اند نیز وجود دارد (Gomez, 2019: 80). از آنجاکه سرزمین در فعالیت‌های اقتصادی نقش مهمی دارد، هر معاهدهٔ سرمایه‌گذاری برای تعیین محدوده سرزمینی فعالیت اقتصادی از رویکرد ویژه‌ای استفاده می‌کند. چنان‌که دربارهٔ معاهدات ایران و اتحادیه اروپا از دیدگاه این پژوهش، از سه نوع رویکرد متفاوت برای تعریف سرزمین استفاده شده است^(۲۳). دانستن این موضوع که در معاهدات یادشده، کدام رویکرد برای تعریف قلمرو دریایی بهترین رویکرد به‌شمار می‌آید، به ما کمک می‌کند تا دریابیم که در کدام دسته از معاهدات باید در پی راه‌حل‌های عدم اعمال این معاهدات در دریای آزاد باشیم. در این راستا معاهدات ایران و اتحادیه اروپا، مانند هم، از سه زبان متفاوت برای تعیین قلمرو سرزمینی استفاده می‌کنند. دستهٔ نخست آن‌ها از رویکرد صریح، دسته دوم، از رویکرد ضمنی، و دسته سوم، از رویکرد سکوت در مورد سرزمین استفاده می‌کنند. نکتهٔ مهم این است که به هر حال کشورها، هنگام مذاکرات سرمایه‌گذاری، به تعریف‌های مناطق دریایی در کنوانسیون حقوق دریاها نیز توجه دارند، زیرا در واقع، کنوانسیون یادشده، همان حقوق بین‌الملل عرفی را برای مناطق دریایی تدوین کرده است (Roach, 2014: 239). در این مورد، این پژوهش با واکاوی ۱۵۲ معاهده سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا، رویکردهای یادشده را تحلیل کرده و با ترسیم یک الگو نشان می‌دهد که، رویکرد غالب ایران و اتحادیه اروپا برای تعریف سرزمین در معاهدات یادشده کدام است.

۱-۲. معاهدات ایران و اتحادیه اروپا با رویکرد صریح

نخستین گروه از معاهدات برای تعریف قلمرو در دریا از زبانی صریح استفاده کرده‌اند و مناطق دریایی را در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها در نظر گرفته‌اند و به‌گونه‌ای دقیق مشخص کرده‌اند که سرمایه‌گذاری برای بهره‌گیری از حمایت معاهداتی باید در چه منطقه‌ای مستقر شود. (Zheng, 2016: 139).

رویکرد صریح، به دو شکل ظاهر می‌شود؛ نخست، در برخی معاهدات یادشده، محدوده مناطق دریایی فراتر از دریای سرزمینی، منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره را دربر می‌گیرد (Guo, 2017: 299). چنان‌که در بند ۳ ماده ۱ معاهده میان «کانادا و اتحادیه اروپا (۲۰۱۶)» آمده است: «حوزه

جغرافیایی کانادا، مناطق زیر را دربر می‌گیرد: ۱) خشکی، فضای هوایی، آب‌های داخلی، و دریای سرزمینی کانادا؛ ۲) منطقه انحصاری اقتصادی کانادا، همان‌گونه که در قانون داخلی این کشور، هماهنگ با بخش پنجم کنوانسیون حقوق دریاها تعیین شده است؛ ۳) فلات قاره کانادا، چنان‌که در قانون داخلی این کشور، هماهنگ با بخش ششم کنوانسیون حقوق دریاها مشخص شده است^(۲۴). همچنین، ماده ۱(۶) «موافقت‌نامه ایران-ژاپن (۲۰۱۶)»، بیان می‌کند: «اصطلاح سرزمین، به مناطقی تحت حاکمیت طرف‌های موافقت‌نامه اشاره دارد که در هر مورد شامل دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی، و فلات قاره می‌شود که منطبق با حقوق بین‌الملل، طرف‌ها می‌توانند حقوق حاکمه و صلاحیت خود را اعمال کنند». در این نمونه‌ها، اشاره به آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی، و فلات قاره مشخص می‌کند که حمایت معاهده از فعالیت اقتصادی در جایی اعمال می‌شود که دولت، حاکمیت و حقوق حاکمه دارد؛

دوم، در نوع دیگر رویکرد صریح به تعریف سرزمین، افزون بر اشاره به مناطقی مانند آب‌های داخلی و دریای سرزمینی، که دولت‌ها در آن‌ها حاکمیت دارند، مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره با دو عبارت «بستر دریا^۱» و «زیربستر^۲» مطرح می‌شوند. معاهده «مشارکت اقتصادی ژاپن و اتحادیه اروپا (۲۰۱۸)^۳» در بند ۳ ماده ۱ در تعریف سرزمین بیان می‌کند «موافقت‌نامه حاضر در مورد ژاپن در غیر از موارد خاص، شامل مناطقی فراتر از دریای سرزمینی، یعنی «بستر دریا» و «زیربستر دریا» می‌شود^(۲۵). گفتنی است، برخلاف اتحادیه اروپا، در هیچ‌یک از معاهدات ایران، از نوع دوم رویکرد صریح استفاده نشده است.

۲-۲. معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا با رویکرد ضمنی

رویکرد ضمنی در معاهدات ایران و اتحادیه اروپا، نسبت به رویکرد صریح، شفافیت کمتری دارد. در رویکرد یادشده، مانند رویکرد صریح، سرزمین در بخش جداگانه‌ای تعریف شده است، اما این تعریف، ضمنی بوده و انواعی را نیز دربر می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که سرزمین را بدون بیان نام مناطق

1. seabed

2. subsoil

3. EU - Japan Economic Partnership Agreement (2018)

دریابی تعریف می‌کنند و تنها به حقوق بین‌الملل، به‌طور ویژه حقوق دریاها یا معاهدات مربوطه دیگر، ارجاع می‌دهند (ILC, 2006: para 15)، یا حتی بدون ارجاع به موارد یادشده، می‌گویند: «منطقه، سرزمینی است که بر پایه حقوق بین‌الملل، دولت در آنجا صلاحیت دارد»^(۲۶) یا «سرزمین، به معنای سرزمین طرف‌های معاهده، بر اساس حقوق بین‌الملل است»^(۲۷) یا «در مورد محدوده سرزمین به معاهده خاصی رجوع شود»^(۲۸)، یا «سرزمین در مورد اتحادیه اروپا به سرزمین‌های جامعه اروپایی گفته می‌شود»^(۲۹). ماده ۱(۵) موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری میان ایران و کویت (۲۰۰۷) می‌گوید: «سرزمین، در بردارنده محدوده‌ای است که سرزمین طرفین معاهده به‌شمار می‌آید و بر پایه حقوق بین‌الملل، طرف‌ها در آن مناطق دارای حقوق حاکمه و صلاحیت هستند»^(۳۰). همچنین، بر پایه ماده ۳۶۰ «موافقت‌نامه همکاری اتحادیه اروپا و کاسم»^(۳۱)، «در مورد اتحادیه اروپا، سرزمین، جایی است که در معاهده «اتحادیه اروپا (۱۹۹۲)»^۱ و معاهده «کارکرد اتحادیه اروپا (۱۹۵۷)»^۲ آمده است و در مورد اتحادیه کاسم نیز سرزمین‌های آمریکای مرکزی، با توجه به قانون داخلی هر کشور درگیر در فعالیت اقتصادی بر پایه موافقت‌نامه اتحادیه اروپا-کاسم و حقوق بین‌الملل، مورد نظر است»^(۳۲).

۳-۲. معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا با رویکرد سکوت

برخلاف دو رویکرد پیشین که محدوده سرزمین را در معاهده تعریف می‌کردند، این رویکرد، مبتنی بر تعریف سرزمین نیست، بلکه بیان لزوم وجود پیوند سرزمینی در یک فعالیت اقتصادی است. معاهدات موجود در این چارچوب، به‌گونه‌ای آگاهانه یا از روی غفلت، رویکرد بی‌توجهی به تعریف سرزمین را در پیش گرفته‌اند، زیرا در چنین معاهداتی، به‌هیچ‌روی، تعریفی از سرزمین در بخش جداگانه‌ای با عنوان تعاریف یا حتی در بخش‌های دیگر ارائه نشده است؛ از این‌رو، پژوهش حاضر، این رویکرد را به‌سبب تعریف نکردن سرزمین، «رویکرد سکوت» نامیده است، اما چنان‌که قاضی تورس در قضیه «آمبینته اوفیو» بیان کرده است، موضوع پیوند سرزمینی با مفاهیم دیگری چون تعریف «سرمایه‌گذار» و «صلاحیت» دیوان داوروری ارتباط دارد: (ICSID, No. ARB/08/9: para132)؛ بنابراین، در معاهدات با رویکرد سکوت، تنها در بخش‌های دیگری مانند تعریف

1. Treaty On European Union (1992)

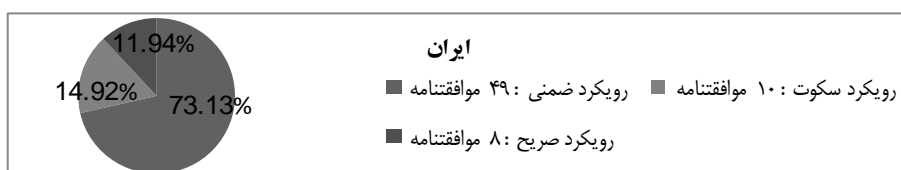
2. Treaty On The Functioning of the European Union (1957)

فعالیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار، شرکت‌ها، یا استانداردهای حمایتی، به «پیوند سرزمینی» اشاره شده است^(۳۳). اشاره به پیوند سرزمینی در بخش‌های یادشده، نشان می‌دهد که حمایت معاهده تنها در فعالیتهای اقتصادی معینی اعمال می‌شود که «در سرزمین» دولت میزبان انجام شده‌اند (Op. cit, Kleiner: 6). پیوند با سرزمین دولت میزبان، عنصری است که به شناسایی سرمایه‌گذاری‌های مورد حمایت موافقت‌نامه و در نتیجه، به تعیین حوزه اعمال قوانین موافقت‌نامه کمک می‌کند (Bungenberg, 2015: 593). چنان‌که «موافقت‌نامه حمایت اقتصادی میان ویتنام و اتحادیه اروپا (۲۰۱۹)» در بخش اچ از بند ۲ ماده ۱، می‌گوید: «سرمایه‌گذاری عبارت است از هر نوع دارایی‌ای که... به وسیله یک سرمایه‌گذار «در سرزمین طرف دیگر» مستقر می‌شود^(۳۴)». موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری میان ایران و سنگاپور (۲۰۱۶)^۱ در ماده ۱ در بخش تعاریف: «سرمایه‌گذاری را عبارت از هر نوع دارایی سرمایه‌گذاری شده توسط سرمایه‌گذاران یکی از طرف‌های معاهده در «سرزمین طرف دیگر» معاهده...» می‌داند^(۳۵)؛ از این رو، بسیاری از معاهدات در مقررات خود به لزوم مستقر شدن فعالیت اقتصادی در سرزمین دولت میزبان توجه کرده‌اند^(۳۶). افزون‌براین، در برخی دعاوی، به الزام پیوند سرزمینی، برای محدود کردن حوزه اعمال مقررات موافقت‌نامه، در چارچوب استانداردهای حمایتی دیگر معاهده توجه شده است (Kleiner, 2018: 319). بر پایه رأی قضیه «شرکت یورگن ویرتگن علیه جمهوری چک»، آنسیترال با اشاره به اینکه طرف‌ها به گونه‌ای اصولی در موافقت‌نامه^(۳۷) در مورد مفهوم خاصی از «سرمایه‌گذار» توافق کرده‌اند، بیان داشت: «سرمایه‌گذار در واقع، شخصی است که محل استقرار آن «در سرزمین مورد حمایت» معاهده است» (ICSID, Case No. 2014-03, para204). همچنین، آنسیترال در دعوی «شرکت دویچ تلکام علیه جمهوری هند»، بیان کرده است: «برای اینکه تبعه یا شرکت دولت متبوع به عنوان سرمایه‌گذار در نظر گرفته شود، باید در «سرزمین دولت میزبان» سرمایه‌گذاری کند^(۳۸)؛ از این رو، آشکار است که تعیین قلمرو فعالیت اقتصادی، به تعیین محدوده اعمال مقررات موافقت‌نامه کمک می‌کند.

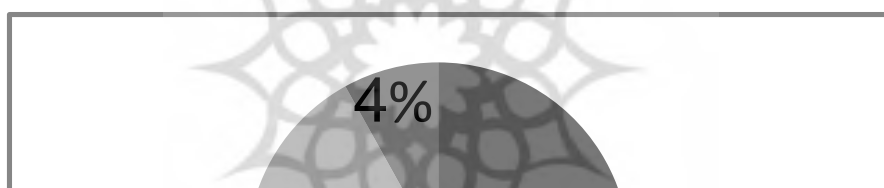
1. Iran, Islamic Republic of - Singapore BIT (2016)

۴-۲. رویکرد غالب در تعریف سرزمین در معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا

مقاله حاضر، تمام معاهدات سرمایه‌گذاری مربوط به ایران و اتحادیه اروپا را به‌جز مواردی که متن آن‌ها موجود نبود - بررسی کرده است^(۳۹). چنان‌که بر پایه آمار آنکتاد، به‌عنوان نمونه، معاهده «تایلند و اتحادیه اروپا» که در مرحله مذاکره باقی ماند و متنی برای آن منتشر نشد^۱، در آمار موردنظر این مقاله نیز مطرح نشده است؛ از این‌رو، از ۷۷ موافقت‌نامه اتحادیه اروپا، ۷۵ مورد، و از ۷۵ موافقت‌نامه ایران، ۶۷ مورد، بررسی شده است که الگوهای زیر، نشان‌دهنده درصد هریک از رویکردهای موجود درباره تعریف سرزمین در معاهدات یادشده است.



شکل شماره (۱). الگوی کمی موافقت‌نامه‌های ایران در مورد رویکردهای موجود در تعیین محدوده سرزمین^(۴۰)



شکل شماره (۲). الگوی کمی موافقت‌نامه‌های اتحادیه در مورد رویکردهای موجود در تعیین محدوده سرزمین

انتخاب رویکرد در موافقت‌نامه‌ها، همسو با مذاکرات پیش می‌رود (Director general, 2006: 13). معاهدات دارای رویکرد صریح در تعریف سرزمین، نام تمام مناطق تحت حاکمیت و صلاحیت دولت را که یک سرمایه‌گذاری برای حمایت از معاهده یادشده باید در آنجا انجام شود، در قالب بخش جداگانه‌ای بیان می‌کند. معاهدات دارای رویکرد ضمنی در تعریف سرزمین،

هرچند محدوده سرزمین را در بخش جداگانه‌ای با عنوان تعریف سرزمین تعیین می‌کنند، هیچ نامی از منطقه خاصی نمی‌برند؛ بنابراین، این معاهدات، به لحاظ آشکار بودن حوزه سرزمین، در دسته دوم قرار می‌گیرند، اما در جایگاه سوم، معاهداتی قرار می‌گیرند که در مورد تعریف سرزمین، سکوت اختیار کرده‌اند. بر پایه آنچه بیان شد و شکل‌های شماره (۱) و (۲)، می‌توان گفت، تعداد موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا، اعم از «معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری (بی‌آی‌تی)» یا «معاهدات اقتصادی دارای مقررات سرمایه‌گذاری (تیپ)» تقریباً برابر است. چنان‌که پیشتر بیان شد، ایران تاکنون ۷۵ موافقت‌نامه و اتحادیه اروپا ۷۷ موافقت‌نامه منعقد کرده‌اند. همچنین، رویکردهایشان در مورد سرزمین با کمی اختلاف، شبیه هم بوده است. چنان‌که رویکرد غالب ایران و اتحادیه در مورد تعیین سرزمین در معاهدات یادشده، ابتدا رویکرد ضمنی به ترتیب با ۷۳/۱۳ درصد و ۷۳/۳۳ درصد و پس از آن، رویکرد سکوت به ترتیب با ۱۴ و ۲۲ درصد است. از یک سو، رویکرد ضمنی که تعریف را به گونه‌ای ضمنی بیان می‌کند، کامل نیست و از سوی دیگر، رویکرد سکوت، تعریف نیست، بلکه تنها بیان لزوم «پیوند سرزمینی» در روابط اقتصادی است؛ بنابراین، دو رویکرد یادشده، رویکردهای مبهمی هستند که ممکن است در روابط اقتصادی، طرف‌ها را در تعیین قلمرو دقیق دریایی با مشکل روبه‌رو کنند. اینکه ایران و اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر به رویکردهای غیرشفاف گرایش داشته‌اند، بسیار بحث‌برانگیز است. بر این اساس، در مورد محدوده سرزمین در معاهدات سرمایه‌گذاری، از آنجاکه طرف‌ها منافع خود را در نظر می‌گیرند و نیز با توجه به اینکه ایران و اتحادیه اروپا بارها از چنین رویکردهایی استفاده کرده‌اند (به ترتیب ۴۹ و ۵۵ مورد انعقاد معاهده با رویکرد ضمنی و ۱۰ و ۱۷ مورد انعقاد معاهده با رویکرد سکوت)، فرض آگاهانه بودن استفاده از رویکردهای یادشده، برای بهره بردن از شرایط ابهام، قوی‌تر است، زیرا در موافقتنامه پایان‌یافته میان اتحادیه اروپا - گرجستان در سال ۱۹۹۶ در مورد تعریف سرزمین، رویکرد سکوت اتخاذ شده بود، اما در سال ۲۰۱۴ در مذاکرات جدید میان اتحادیه اروپا و گرجستان، موافقتنامه جدیدی با رویکرد ضمنی منعقد شد^(۴۱). همچنین، در دو موافقتنامه دیگری که در سال ۲۰۱۴ میان اتحادیه اروپا و اوکراین و همچنین، میان اتحادیه و مولداوی منعقد شد، در تعریف سرزمین، از رویکرد ضمنی استفاده شده است. با وجود این، در آخرین معاهده اتحادیه در سال ۲۰۱۹ «میان اتحادیه اروپا و ییتنام»، اتحادیه، رویکرد سکوت را در مورد سرزمین برگزید^(۴۲).

۳. حمایت معاهده سرمایه‌گذاری از فعالیت اقتصادی در مناطق دریایی

یکی از مهم‌ترین اهداف معاهدات سرمایه‌گذاری، بهبود روابط اقتصادی و حمایت دولت ملی سرمایه‌گذار از سرمایه‌گذاران در «سرزمین دولت میزبان» است (Julien, 2017: 404)، اما هدف از تعریف سرزمین در معاهدات سرمایه‌گذاری، تنها توصیف سرزمین نیست، بلکه تعیین حوزه اعمال معاهده بر مناطق دریایی است که دولت ساحلی، صلاحیت خود را بر پایه حقوق بین‌الملل دریاها در آنجا اعمال می‌کند (Terivisanut, 2018: 799). امروزه، تنها طرح‌هایی که در مناطق دریایی دولت‌ها مستقر شده‌اند، مورد حمایت معاهدات سرمایه‌گذاری هستند (Terivisanut, 2018: 800)؛ بنابراین، اعمال قواعد معاهده فراتر از سرزمین دولتی با ابهام روبه‌رو است (Repousis, 2017: 170). مسئله گستره سرزمین، در مذاکرات نهایی تصویب کنوانسیون حقوق معاهدات وین نیز مطرح شد. در ماده ۵۸ «گزارش سوم والدوک» به کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۶۴ بیان شد: «رویه دولتی، این نتیجه را که یک معاهده، خارج از سرزمین کشوری اعمال شود، توجیه نمی‌کند، مگر اینکه به‌گونه‌ای خاص در معاهده مطرح شود. برعکس، یک معاهده به‌طور خودکار همه سرزمین‌های طرف‌های معاهده را دربر می‌گیرد، مگر اینکه قصد مخالف آن به‌گونه‌ای صریح بیان شود» (shaw, 1982: 89). چنان‌که در قضیه «اس‌جی‌اس علیه فیلیپین»^(۴۳) یکسید بیان کرد: «بسیار آشکار است که سرمایه‌گذاری باید در «سرزمین دولت میزبان» انجام شود؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری انجام‌شده در خارج از سرزمین دولت خوانده، که به‌هرحال به‌سود او است، در چارچوب موافقت‌نامه میان طرفین قرار نمی‌گیرد» (ICSID, Case No. ARB/02/6: para 99).

۱-۳. مشکل حمایت نکردن معاهده از فعالیت اقتصادی در دریای آزاد

در نگاه نخست، میان تعریف صریح سرزمین در رویکرد صریح یا تعریف مبهم سرزمین در رویکردهای ضمنی و سکوت، به‌لحاظ حمایت معاهده سرمایه‌گذاری از فعالیت اقتصادی، تفاوتی وجود ندارد، زیرا برخی آرا در این باره، تنها به سرزمین به‌طور مطلق توجه داشته‌اند، نه سرزمین بر پایه رویکردهای سه‌گانه موجود در معاهدات. در قضیه «ترادکس علیه آلبانی»، یکسید با اشاره به بند ۳ ماده ۱ موافقت‌نامه میان طرفین، بیان کرد: «تنها آن سرمایه‌گذاری‌هایی دارای شرایط هستند که در «سرزمین دولت آلبانی» مستقر باشند» (ICSID, Case No. ARB/94/2: para269)؛ براین اساس، با نگاهی ژرف، خارج از قلمرو دولتی، میان رویکردهای یادشده در رویارویی با مشکل حمایت نکردن معاهده از

فعالیت اقتصادی در دریای آزاد و یافتن راه حل، تفاوت وجود دارد. در همان قضیه «ترادکس»، دیوان بیان کرد: «سرمایه‌گذاری شرکت ترادکس که خارج از قلمرو آلبانی است، مورد حمایت معاهده نیست» (ICSID, Case No. ARB/94/2: para269)؛ از این رو، فعالیت اقتصادی در دریای آزاد، در محدوده حمایت معاهدات سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه اروپا قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، با بررسی همه معاهدات ایران و اتحادیه اروپا، به این نتیجه رسیدیم که در میان این معاهدات، معاهدات دارای رویکرد صریح در تعریف سرزمین، به راه حل مشکل یادشده توجه داشته‌اند.

۳-۲. رفع مشکل حمایت نکردن معاهده از فعالیت اقتصادی در دریای آزاد

برای اعمال یک معاهده خارج از سرزمین دولتی، باید از دستاویز محکمی بهره جست که میان موضوع خارج از قلمرو دولت و آن دولت، پیوند کافی برقرار می‌کند (Kumar, 2017: 107). در واقع، این دستاویز، همان ماهیت فعالیت اقتصادی^(۴۴) است که می‌تواند سبب تأثیرگذاری حمایت معاهده سرمایه‌گذاری در دریای آزاد شود. همان‌گونه که بیان شد، اشاره به این راه حل در معاهداتی یافت شد که در تعریف سرزمین، رویکرد صریحی داشته‌اند. نخست، به طور کلی در معاهده «میان اتحادیه اروپا و کانادا» در بخش «اعمال حق رزرو برای کانادا» ضمن تأکید بر اهمیت ماهیت فعالیت اقتصادی، اشاره شد: «یک سرمایه‌گذاری برای اجرا در سرزمین کانادا باید به «ماهیت فعالیت اقتصادی» در کانادا توجه کند^(۴۵)». این معاهده، تنها به ماهیت اشاره کرده است، ولی برای دستیابی به حمایت معاهداتی از فعالیت اقتصادی در دریای آزاد باید در پی مصداق چنین ماهیتی باشیم؛ بنابراین، به گونه‌ای جزئی می‌توان مصداق مورد نظر را در ماده ۱ «معاهده منشور انرژی» مشاهده کرد^(۴۶). بر پایه بند ۶ ماده ۱ معاهده یادشده: «هر سرمایه‌گذاری همراه با یک فعالیت اقتصادی در بخش انرژی، سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌آید». بر پایه بند ۵ ماده ۱ این منشور، «فعالیت اقتصادی در بخش انرژی»، به معنای فعالیت اقتصادی در زمینه اکتشاف، بهره‌برداری، استخراج، تولید، انتقال^(۴۷)، و توزیع از طریق شبکه‌ها، خطوط لوله، و... است^(۴۸)؛ بنابراین، در جمع دو معاهده، تنها مصداق فعالیت اقتصادی که به لحاظ ماهیتی در دریای آزاد گام برمی‌دارد و لازم است که برای مؤثر بودن فعالیت اقتصادی، حمایت معاهده را نیز همراه خود داشته باشد، کابل‌ها و خطوط لوله است. امروزه خطوط لوله، برای انتقال انرژی و کابل‌ها، بیشتر برای انتقال داده‌ها به کار می‌روند (karavias, 2018: 863)؛ از این رو، کابل‌های فایبروآپتیک برای اقتصاد جهانی حیاتی هستند

(UNGA, 2016: Res71/257). افزون‌براین، رشد تجارت فرامرزی سوخت فسیلی، سبب افزایش خطوط لوله در جهان شده است (karavias, 2018: 862).

عبارت‌های «اقتصاد جهانی» و «تجارت فرامرزی» یادشده، به‌طور ضمنی، به «ماهیت فرامرزی کابل‌ها و خطوط لوله» اشاره دارند، زیرا ماهیت مطرح‌شده، سبب عبور قسمتی از فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری از دریای آزاد شده و بدیهی است، قرار گرفتن کابل‌ها و خطوط لوله در امتداد مناطق دریایی گوناگون و در بستر دریا، فراتر از صلاحیت ملی، مسائل مهمی را از زاویه حقوق سرمایه‌گذاری مطرح می‌کند (karavias, 2018: 881). اما اینکه چنین ماهیتی چگونه به توسعه حمایت معاهده در دریای آزاد کمک می‌کند را می‌توان در دعوی «دویچ بانک علیه سریلانکا» یافت، زیرا از یک سو، خواهان، بر «ماهیت سرمایه‌گذاری» تأکید می‌کند و از سوی دیگر، با پیوند میان سرمایه‌گذاری مستقر خارج از صلاحیت ملی و برخورداری از مقررات حمایتی معاهده در آن مناطق، در ارتباط است. بر پایه جوابیه خواننده^(۴۹)، «پیوند سرزمینی، یکی از الزامات بنیادین برای اعمال معاهده است» (ICSID, case No. ARB/09/02: para 222) و این پیوند، بر مبنای مواد بی‌ای تی میان آلمان و سریلانکا، میان سریلانکا و دویچ بانک وجود ندارد؛ بنابراین، دیوان باید تصمیم بگیرد که آیا در مورد سرمایه‌گذاری انجام‌شده در سرزمین مورد اختلاف، صلاحیت رسیدگی دارد یا خیر (ICSID, case No. ARB/09/02: para 14). سریلانکا بر این نظر است که از آنجاکه بانک مرکزی سریلانکا، نباید رفتار دویچ بانک لندن را تنظیم کند، در این قضیه، فرایندهای مالی انجام‌شده از طریق دویچ بانک لندن نباید همسو با اهداف معاهده حمایت اقتصادی میان طرفین به‌عنوان فرایندهای مالی انجام‌شده در سرزمین سریلانکا به‌شمار آید (ICSID, case No. ARB/09/02: para 224). افزون‌براین، از آنجاکه مکان موافقتنامه حمایت اقتصادی، لندن است و دویچ بانک، امور موافقت‌نامه را از طریق شعبه لندن کنترل می‌کند و منافع دویچ بانک تعلق گرفته به سریلانکا، در واقع در سریلانکا نیست (ICSID, case No. ARB/09/02, para 229)، هیچ‌گونه پیوند سرزمینی‌ای با سریلانکا وجود ندارد؛ بنابراین، دیوان بر پایه موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری دوجانبه میان طرفین، صلاحیت رسیدگی ندارد (ICSID, case No. ARB/09/02: para 228).^(۱) چنین شرایطی در

مورد کابل‌ها و خطوط لوله نیز قابل مشاهده است، زیرا ماهیت آن‌ها سبب می‌شود که بخش‌هایی از آن‌ها به خارج از قلمرو دولتی کشیده شود؛ مانند کابل فایبروآپتیک «سی‌می‌وی ۳» که میلیون‌ها کیلومتر در طول اقیانوس‌ها امتداد می‌یابد و کشورها را به هم متصل می‌کند (Carter, 2009: 3) در نگاه نخست، برپایه استدلال خواننده در قضیه دویچ‌بانک، فعالیت‌های اقتصادی انجام‌شده توسط دویچ‌بانک، مورد حمایت معاهده میان آلمان و سریلانکا قرار نمی‌گیرند، زیرا هیچ‌گونه پیوند سرزمینی‌ای برای آن فعالیت‌ها (از آنجا که خارج از سرزمین سریلانکا هستند) وجود ندارد^(۵۰)، اما با نگاهی ژرف به موضوع و پذیرش استدلال‌های خواهان از سوی دیوان در مورد این قضیه، شرایط متفاوت می‌شود. دویچ‌بانک به‌عنوان خواهان، با رد ادعاهای سریلانکا مبنی بر نبودن پیوند سرزمینی میان فعالیت اقتصادی و سرزمین دولت میزبان، بیش از همه برای اثبات پیوند سرزمینی بر «ماهیت جهانی عملیات دویچ‌بانک» تأکید کرد، که می‌توان آن را بر فعالیت اقتصادی در حوزه کابل‌ها و خطوط لوله با «ماهیت فرامرزی» منطبق کرد؛ از این رو، در راستای استفاده از وحدت ملاک برخی از آرای ایکسید و همچنین رجوع به کنوانسیون حقوق دریاهای نظریه‌های حقوقدانان، لزوم حمایت معاهداتی از فعالیت اقتصادی در دریای آزاد، به شرح زیر به اثبات می‌رسد:

• نخست، حضور شعبه‌های فراوان دویچ‌بانک: این واقعیت که حساب‌ها به‌طورکلی برای دویچ‌بانک است و نه برای شعبه خاصی مانند شعبه لندن، حکایت از جهانی بودن ماهیت عملیات اقتصادی دویچ‌بانک دارد (ICSID, case No. ARB/09/02: para142). اگرچه برخی عملیات در شعبه‌های خارج از سریلانکا انجام می‌شود، این قضیه دلیل موجهی برای انکار پیوند سرزمینی نیست، زیرا عملیات دویچ‌بانک باید به‌طورکلی در نظر گرفته شود، نه برای هر شعبه به‌گونه‌ای جدا از بانک مادر؛ بنابراین، در مورد فعالیت اقتصادی در حوزه کابل‌ها و خطوط لوله، باید به چنین فعالیتی به‌طورکامل توجه شود. این یعنی قلمرو فعالیت اقتصادی، مرزهای دولت صادرکننده، دولت دریافت‌کننده، و مناطق دریایی بین این مرزها، اعم از دریای آزاد، را دربر می‌گیرد؛ بنابراین، اگرچه دریای آزاد نیز به‌عنوان یکی از مناطق دریایی در حوزه سرزمینی سرمایه‌گذاری بر کابل‌ها و خطوط لوله وجود دارد، این دلیلی بر انکار حمایت معاهده از فعالیت اقتصادی نیست، زیرا در اینجا حمایت از سرمایه‌گذاری در چارچوب موافقت‌نامه، سرمایه‌گذاری در کل مناطق دریایی زیر مجموعه سرمایه‌گذاری یادشده را نیز دربر می‌گیرد.

• دوم، ماهیت جهانی عملیات دویچ‌بانک، در تمرکز برخی از کارکردها در مراکز خاص، مشهود است؛ مانند دویچ بانک شعبه سنگاپور که محل تصمیم‌گیری در مورد اعتبارات ایجادشده توسط دویچ‌بانک در رابطه با مشتریان سریلانکایی است؛ بنابراین، اگرچه چنین تصمیم‌هایی در دویچ‌بانک سنگاپور گرفته می‌شود، این اعتبارات به نام دویچ‌بانک، و در هر شعبه‌ای قابل بهره‌برداری است^(۵۱)؛ بنابراین، اگرچه دریای آزاد، سرزمین دولت نیست، بخشی از فعالیت اقتصادی از آنجا می‌گذرد که به همین سبب باید قائل به پیوند میان سرزمین و فعالیت اقتصادی بود و به بیان روشن‌تر باید مناطقی که فعالیت اقتصادی در آنها مستقر است را برای اعمال حمایت معاهده، یک سرزمین یگانه، از کشور مبدأ فعالیت اقتصادی تا کشور مقصد فعالیت اقتصادی، به‌شمار آورد.

• سوم، برپایه ادعای خواهان، پیوند سرزمینی در جایی وجود دارد که هدف معامله که با منافع طرف‌ها همراه است، به‌دست آید (Knhar, 2009: 42). این امر نشان می‌دهد که گاهی ممکن است فعالیت‌های اقتصادی در سرزمین دیگری انجام شود، ولی منافع آن به دولت میزبان تعلق گیرد. همان‌گونه که خواهان در قضیه «آباکلات و دیگران علیه آرژانتین» بر این رویکرد تأکید کرد که: «معیار پیوند باید جایی باشد که درنهایت، منفعت استفاده می‌شود». بی‌تردید، هدف اصلی فعالیت اقتصادی، کسب سود برای طرفین معاهده است (ICSID, Case No. ARB/07/5, para 374). چنان‌که ایکسید در رأی خود در دعوی «برنارد فون علیه جمهوری زیمبابوه» بر این نظر است که: «به‌منظور بهره‌بردن از حمایت سرمایه‌گذاری، هیچ الزامی در چارچوب بی‌آی‌تی‌آلمان و زیمبابوه وجود ندارد که سرمایه‌گذاری حتماً باید از طریق استفاده از سرمایه‌ای خارج از زیمبابوه انجام شود». این به آن معنا است که اینکه سرمایه، داخلی باشد یا خارجی، تفاوتی ندارد (ICSID, Case No. ARB/10/15: para 269)، بلکه اصل، بهره‌بردن از حمایت معاهده سرمایه‌گذاری است؛ ازاین‌رو، برپایه ادعای دویچ‌بانک، همه منافع به سریلانکا تعلق گرفته و پرداخت‌های دویچ‌بانک، الزاماتی در قلمرو سریلانکا به‌شمار می‌آیند (Op.cit, Deutschebank: para 142). ایکسید در قضیه دویچ‌بانک (۲۰۱۲) با پذیرش نظر خواهان، نگرش نوینی را در مورد منفعت ایجاد کرد، زیرا در قضیه «اس‌جی‌اس علیه فیلیپین» در سال ۲۰۰۴ بر این نظر بود که سرمایه‌گذاری مستقر در خارج از سرزمین دولت که به‌هرحال به‌سود دولت است، در موافقتنامه میان طرفین پوشش داده نمی‌شود» (ICSID, Case No. ARB/02/6: para 99)؛ بنابراین، مشخص است که در قضیه «اس‌جی‌اس علیه فیلیپین»، محوریت با «سرزمین» است و

حمایت معاهده سرمایه‌گذاری از فعالیت اقتصادی برپایه «سرزمین» در نظر گرفته می‌شود؛ به این معنا که سرمایه‌گذاری خارج از سرزمین‌های طرفین معاهده، مورد حمایت معاهده نخواهد بود. اما در «قضیه دویچ‌بانک» محوریت با «منفعت» است و این‌گونه در نظر گرفته می‌شود که هر چند سرمایه‌گذاری، خارج از سرزمین دولت انجام شده است، برای اعمال حمایت معاهده، پیوند سرزمینی برقرار است، زیرا سود به دست آمده، کل فعالیت اقتصادی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، برپایه ملاک «منفعت»، حمایت معاهده باید به دریای آزاد نیز گسترش یابد، زیرا اگر امکان حمایت از سرمایه‌گذاری در آن سوی مناطق دریایی دولتی وجود نداشته باشد، ممکن است خسارت به فعالیت اقتصادی برپایه قطعنامه مجمع عمومی در معرض جبران ناپذیری قرار گیرد (UNGA, 2016: Res71/257)؛ همان‌گونه که به طور میانگین، هر سال بیش از ۱۰۰ کابل، از طریق قایق‌های ماهیگیری یا لنگر کشتی‌ها آسیب می‌بیند (Brake, 2019: p. 2). آشکار است که حمایت نکردن، سبب از بین رفتن سود اصلی برای طرفین خواهد شد و بی‌تردید، احتمال جاگذاری کابل‌ها در ناحیه و دریای آزاد نیز کاهش می‌یابد (Palmer, 2016: 7). این به آن معنا است که سرمایه‌گذاری‌های بعدی در مناطق دریایی نیز کاهش خواهد یافت (kamerling, 2018: p 88).

- چهارم، انسجام سرمایه‌گذاری: در دعوی «بلوسان علیه جمهوری ایتالیا»^(۵۲) خواننده بیان کرد که «فعالیت اقتصادی در سرزمین دولت می‌باید به گونه‌ای منسجم و در پرتو مفهوم و شرایط خاص آن دعوی در نظر گرفته شود» (ICSID, Case No. ARB/14/3: para 129). این به آن معنا است که هر فعالیت اقتصادی‌ای باید با توجه به جنبه‌های خاصی مانند ماهیت و نوع آن تحلیل شود^(۵۳)، زیرا ماهیت و نوع سرمایه‌گذاری بر کابل‌ها و خطوط لوله، نیازمند انسجام سرزمینی برای گسترش حمایت معاهده در دریای آزاد است. به بیان روشن‌تر، ماهیت سرمایه‌گذاری بر خطوط لوله و کابل‌ها نیز این انسجام را می‌طلبد و نمی‌توان به‌عنوان مثال، در یک طرح سراسری مانند «سی‌وی ۳» که چند قاره را به هم متصل می‌کند، قسمتی از کابل‌ها را که در دریای آزاد یا اقیانوس قرار می‌گیرند، از محدوده حمایت معاهده خارج کرد.
- پنجم، برخی حقوقدانان بر این نظرند که تنها وجود کابل‌ها در بستر اقیانوس، «صلاحیت فراسرزمینی» دولت متبوع سرمایه‌گذار را برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند و بخش خارج از قلمرو

دولت را در چارچوب «سرزمین دولت» قرار می‌دهد (Op.cit, Kravias: p 884)، اما این دیدگاه درستی نیست، زیرا اگرچه در چنین حالتی، صلاحیت وجود دارد، این صلاحیت بر سرمایه‌گذاری و در راستای حمایت از سرمایه‌گذاری است. به بیان روشن‌تر، عبارت «صلاحیت فراملی^۱» نادرست است، زیرا با توجه به ماهیت سرمایه‌گذاری بر کابل‌ها و خطوط لوله، به جای عبارت «صلاحیت فراملی» باید از عبارت «حمایت فراملی» استفاده شود، که صلاحیت طرفین بر حمایت از فعالیت اقتصادی‌شان را در دریای آزاد، ایجاب می‌کند و این‌گونه مشخص می‌شود که هدف، گسترش حمایت است نه گسترش صلاحیت.

• ششم، برخی مفسران در مورد سرمایه‌گذاری در دریا بر این نظرند که قواعد کنوانسیون حقوق دریاها باید در پرتو استانداردهای حمایتی معاهدات سرمایه‌گذاری تفسیر شوند (Cotula&Berger,2002:p3)^(۵۴). چنین دیدگاهی می‌تواند به حمایت معاهدات ایران و اتحادیه در دریای آزاد منجر شود، زیرا هنگامی که دولت‌ها همسو با کنوانسیون یادشده از آزادی استقرار خطوط لوله و کابل‌های زیردریایی بر پایه ماده ۱۱۲ برخوردارند^(۵۵)، و این در واقع یک مقررره حمایتی است که در قالب حقوق دریاها وضع شده است، حمایت معاهده از فعالیت اقتصادی نیز باید با تکیه بر همین مقررره به دریای آزاد گسترش یابد^(۵۶). افزون‌براین، امروزه هیچ دولتی به‌عنوان دولت طرف فعالیت اقتصادی بر کابل‌ها یا خطوط لوله، صلاحیت یا حاکمیت خود را بر دریای آزاد (اعم از بستر یا زیر بستر دریا) اعمال نمی‌کند و همه دولت‌ها نیز این قاعده حقوق دریاها را پذیرفته‌اند^(۵۷).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، با تحلیل تمام ۷۵ موافقتنامه سرمایه‌گذاری ایران و ۷۷ موافقتنامه سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا، به این نتیجه دست یافته است که در ۱۵۲ موافقتنامه یادشده، سه رویکرد موجود است که بر پایه شفافیت بیشتر در تعریف سرزمین، قابلیت اولویت‌بندی دارند. رویکرد صریح، در جایگاه نخست، رویکرد ضمنی، در جایگاه دوم و رویکرد سکوت، در جایگاه سوم قرار می‌گیرند. متأسفانه نگرش موجود در موافقتنامه‌های ایران و اتحادیه، هماهنگ با این اولویت‌بندی پیش نرفته

است، زیرا ایران و اتحادیه اروپا، رویکردهای مبهم، اعم از ضمنی و سکوت، را ترجیح می‌دهند. چنان‌که برپایه شکل‌های شماره (۱) و (۲)، درصد زیادی از موافقت‌نامه‌ها، رویکردهای مبهمی دارند. ۷۳/۱۳ درصد از موافقت‌نامه‌های ایران (۴۹ موافقت‌نامه) و ۷۳/۳۳ درصد از موافقت‌نامه‌های اتحادیه (۵۵ موافقت‌نامه) رویکرد ضمنی، ۱۴/۹۲ درصد از موافقت‌نامه‌های ایران (۱۰ مورد) و ۲۲/۶۶ درصد از موافقت‌نامه‌های اتحادیه (۱۷ مورد) رویکرد سکوت، و تنها ۱۱/۹۴ درصد از موافقت‌نامه‌های ایران (۸ مورد) و ۴ درصد از موافقت‌نامه‌های اتحادیه (۳ مورد)، رویکرد صریح را درپیش گرفته‌اند؛ ازاین‌رو، موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری ایران و اتحادیه، نیاز به تغییر نگرش دارند. برپایه تحلیل پژوهش حاضر، بهترین رویکرد، رویکرد صریح است و اگر اختلافی در مورد پیوند سرزمینی وجود داشته باشد، چنین رویکردی، ابهام‌های مربوط به قلمرو سرزمینی را کاهش می‌دهد. گرایش به کاهش ابهام سبب شد که توجه به تعریف قلمرو دریایی، روند شفاف‌تری را درپیش گیرد، زیرا برخی از تیپ‌های پایان‌یافته، در مذاکرات جدید، رویکردشان در مورد سرزمین را با انعقاد موافقت‌نامه‌های جدید با رویکرد شفاف‌تر در مورد تعیین سرزمین، تغییر داده‌اند. چنان‌که معاهده میان «اتحادیه اروپا-گرجستان» در سال ۱۹۹۶، رویکرد سکوت را برگزید، اما مذاکرات جدید در سال ۲۰۱۴ رویکرد طرف‌های مذاکره را با یک پله صعود، در چارچوب رویکرد ضمنی و شفاف‌تر نسبت به رویکرد سکوت قرار داد. بااین‌همه، در نگاه نخست، تفاوتی میان تعریف صریح سرزمین در قالب رویکرد صریح یا تعریف مبهم سرزمین در چارچوب رویکردهای ضمنی و سکوت، به‌لحاظ حمایت معاهده در مناطق دریایی دولت‌ها، وجود ندارد، زیرا کشورها بر این نظرند که قواعد معاهدات سرمایه‌گذاری یادشده، بر فعالیت‌های اقتصادی مستقر در مناطق دریایی تحت صلاحیت و حاکمیت دولت‌ها حاکم است. این به‌آن معنا است که اعمال مقررات حمایتی یک معاهده، به ایجاد پیوند میان فعالیت اقتصادی و سرزمین دولت میزبان نیاز دارد. همان‌گونه که در رأی دعوی «ترادکس علیه آلبانی»، یکسید تنها آن‌دسته از سرمایه‌گذاری‌ها را دارای شرایط حمایت می‌داند که در سرزمین دولت آلبانی انجام شده باشند. برپایه معاهدات ایران و اتحادیه، قلمرو جغرافیایی دولت‌ها در دریا (همسو با کنوانسیون حقوق دریاها)، سرمایه‌گذاری در آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی، و فلات قاره را دربر می‌گیرد. باوجوداین، نگاه ژرف به موضوع حمایت معاهده از فعالیت اقتصادی نشان می‌دهد، میان

رویکردهای سه‌گانه در برخورد با مشکل فقدان حمایت معاهداتی در دریای آزاد، تفاوت‌هایی وجود دارد، زیرا در بررسی تمام موافقت‌نامه‌های ایران و اتحادیه، این نتیجه به‌دست آمد که معاهدات دارای رویکرد صریح، نسبت به معاهدات دارای رویکردهای مبهم، اعم از ضمنی و سکوت، شفافیت بیشتری دارند، زیرا می‌توان از برخی معاهدات مانند «معاهده منشور انرژی (۱۹۹۴)» و «معاهده اتحادیه اروپا و کانادا (۲۰۱۶)» به‌عنوان دو معاهده با رویکرد صریح در مورد سرزمین نام برد که راه‌حل مشکل یادشده — که همانا ماهیت فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری است — را در خود جای داده‌اند. ماهیت مطرح‌شده در اینجا، هر نوع ماهیتی را دربر نمی‌گیرد، بلکه دربردارنده ماهیت ویژه‌ای است که می‌توان آن را در سرمایه‌گذاری یا فعالیت اقتصادی بر کابل‌ها و خطوط لوله مشاهده کرد، زیرا کابل‌ها و خطوط لوله، دارای ماهیت فرامرزی هستند و این به‌آن معنا است که گسترش حمایت معاهداتی، نیازمند یک ماهیت جهانی است. یک فعالیت اقتصادی با چنین ماهیتی، در بسیاری از موارد، به عبور از دریای آزاد هم می‌انجامد؛ بنابراین، در مورد کابل‌ها یا خطوط لوله باید قلمرو فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری را به‌طور کامل در نظر گرفت. هنگامی که یک کابل از کشور فرستنده در قاره آمریکا به‌سوی کشور گیرنده در قاره اروپا کشیده می‌شود، از اقیانوس اطلس نیز عبور می‌کند؛ بنابراین، باید کل مناطق دریایی، اعم از آنچه در چارچوب صلاحیت دولت، خارج از صلاحیت دولت، و بین سرزمین‌های دو دولت فرستنده و گیرنده قرار می‌گیرد، به‌عنوان سرزمین سرمایه‌گذاری دیده شود؛ از این‌رو، اگرچه دریای آزاد در میان سرزمین‌های مربوط به سرمایه‌گذاری قابل مشاهده است، انکار حمایت معاهداتی از سرمایه‌گذاری مستقر در دریای آزاد، تنها به‌دلیل قرار گرفتن سرمایه‌گذاری در دریای آزاد، دلیل پذیرفتنی‌ای نیست، زیرا از یک‌سو، سود به‌دست‌آمده از سرمایه‌گذاری ایجاب می‌کند که حمایت معاهده از سرمایه‌گذاری، دربردارنده کل قلمرو جغرافیایی سرمایه‌گذاری باشد و از سوی دیگر، صلاحیتی که در این راستا در دریای آزاد وجود دارد، صلاحیت بر «محل استقرار» کابل‌ها یا خطوط لوله در دریای آزاد نیست، بلکه صلاحیت بر حمایت از «کابل‌ها یا خطوط لوله مستقر» در دریای آزاد است، زیرا برخی بر این نظرند که سرمایه‌گذاری فراتر از سرزمین دولتی، سبب «صلاحیت فراملی» می‌شود، اما جستار حاضر اثبات کرد که بر پایه اعتقاد خواهان در دعوی «دویچ‌بانک علیه سریلانکا»، در هر فعالیت اقتصادی‌ای باید کل سرزمین تحت سرمایه‌گذاری را در نظر گرفت که ممکن است دریای

آزاد نیز باشد؛ بنابراین، این امر با توجه به ماهیت فرامرزی فعالیت اقتصادی در دریا، سبب صلاحیت در راستای «حمایت فراملی» می‌شود، زیرا این مفهوم، با کنوانسیون حقوق دریاها همسو است که در ماده ۸۷ و ۱۱۲ خود، از آزادی استقرار کابل‌ها و خطوط لوله حمایت کرده است. به این ترتیب، حمایت معاهده از فعالیت اقتصادی، در مورد کابل‌ها و خطوط لوله، نباید مورد چالش باشد و ماهیت جهانی کابل‌ها و خطوط لوله، برای مفید واقع شدن فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، باید جامعه بین‌المللی را برای حمایت معاهداتی از سرمایه‌گذاری در دریای آزاد قانع کند.



یادداشت‌ها

1. Economic Partnership Agreement between the European Union and its Member States, Of The One Part, And The SADC EPA States (including Botswana, Lesotho, Mozambique, Namibia, South Africa, Eswatini), Of The Other Part, Signed at 10/06/2016.

– همچنین معاهده «اتحادیه اروپا ستا و کانادا (۲۰۱۶)» چنین بیان می‌کند: «مقررات این موافقت‌نامه از سرمایه‌گذاران، با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری‌شان... بدون اینکه حقوق طرفین را در ایجاد قواعدی برای منافع عمومی «در سرزمین‌هایشان» (Canada - EU CETA (2016) تضعیف کند، حمایت می‌کند» ر.ک:

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

Blusun S.A. Jean-Pierre Lecorcier and Michael Stein v. Italian Republic, (ICSID Case No. ARB/14/3), Jürgen Wirtgen, Stefan Wirtgen, Gisela Wirtgen and JSW Solar (zwei) GmbH & Co. KG v. Czech Republic, (PCA Case No. 2014-03), Fraport AG Frankfurt Airport Services Worldwide v. The Republic of the Philippines, (ICSID Case No. ARB/03/25), InterTrade Holding GmbH v. The Czech Republic, (UNCITRAL, PCA Case No. 2009-12).

۳. گاهی ممکن است در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری یا دعاوی سرمایه‌گذاری، به جای «دریای سرزمینی» از عبارت «آب‌های سرزمینی» استفاده شود. چنان‌که دیوان در قضیه *Inmaris Perestroika Sailing Maritime Services GmbH and Others v. Ukraine* بیان می‌کند: «دستورالعمل وزارت خارجه اوکراین که مانع خروج کشتی از «آب‌های سرزمینی» دولت اوکراین می‌شود، در واقع، اقدامی خودسرانه است که مانع بهره‌برداری و حفظ سرمایه‌گذاری مورداعدا شده و بند ۳ ماده ۲ بی‌آی‌تی را نقض می‌کند». ر.ک:

Inmaris Perestroika Sailing Maritime Services GmbH and Others v. Ukraine (ICSID Case No. ARB/08/8), Excerpts of Award Dated March 1, 2012 Made Pursuant to Rule 48(4) of ICSID Arbitration Rules of 2006, para 282.

– همچنین، بند «ام ماده ۱» موافقت‌نامه ثبات اجتماعی اتحادیه اروپا و بوسنی، از عبارت آب‌های سرزمینی استفاده کرده است. چنان‌که بیان می‌کند، «سرزمین، شامل «آب‌های سرزمینی» می‌شود».

۴. چنان‌که ماده ۱(۳) الف) موافقت‌نامه میان گواتمالا-آلمان (۲۰۰۳) بیان می‌کند، «سرمایه‌گذار، شخصی است که باید در سرزمین طرف دیگر معاهده باشد».

۵. مانند دریای آزاد.

۶. بر پایه آخرین آمار آنکتاد.

۷. در دسترس در:

<https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/countries/78/>

Germany .

8. Also Handbook on the Delimitation of Maritime Boundaries, (2000), United Nation Publication, Sales No.E.Ol.V2, p 8.

۹. ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای.

۱۰. مانند دریاچه‌ها و رودخانه‌های داخلی.

11. Article 8 (1) Of The 1982 Convention. Note The Exception In The Latter Provision With Regard To Archipelagic States, Below, p. 565. See Also Regina v. Farnquist (1981), 54 CCC (2d) 417; 94 ILR, p. 238.

۱۲. ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بند ۴، اگر فاصله بین خطوط پایین‌ترین جزر نقاط ورودی طبیعی یک خور، از فاصله ۲۴ مایل دریایی بیشتر نباشد، می‌توان یک خط محصورکننده بین این دو خط پایین‌ترین جزر ترسیم کرد و آب‌هایی که به این شکل محصور می‌شوند، آب‌های داخلی به‌شمار خواهند آمد.

۱۳. Territorial sea؛ گفتنی است، گاهی ممکن است موافقت‌نامه‌ها، به دلیل وضعیت خاص طرفین، از کلمه‌های مشابهی استفاده کنند؛ بنابراین، با توجه به معاهده، ۲ نوع تفسیر می‌تواند مورد توجه باشد؛ نخست، تفسیر مضیق، این به آن معنا است که در معاهدات، اصطلاح «شامل می‌شود» تنها شامل دریای سرزمینی می‌شود و نه منطقه‌ای دیگر؛ دوم، تفسیر موسع که بر پایه آن، عبارت «شامل» تنها شامل دریای سرزمینی نیست، زیرا در واقع عبارتی تمثیلی است و مناطق دیگری مانند منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را نیز دربر می‌گیرد. به هر روی، این مقاله، تفسیر دوم را برتر می‌داند. همچنین، برخی موقعیت‌های ویژه در برخی موارد وجود دارد؛ برای مثال، در ماده ۱(م) از پروتکل موافقت‌نامه میان فلسطین و جامعه اروپا (۱۹۹۷) شیوه خاصی اتخاذ شده است، زیرا در تعریف سرزمین تنها عنوان داشته است، «سرزمین شامل آب‌های سرزمینی می‌شود». بدیهی است که آب‌های سرزمینی به عنوان منطقه در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها شناسایی نشده است؛ بنابراین، اینکه این عبارت به «آب‌های داخلی» اشاره دارد یا به «دریای سرزمینی» شفاف نیست. به هر روی، به نظر می‌رسد، این عبارت به همه آب‌های متعلق به سرزمین دولت ساحلی اشاره دارد و بر این اساس، سرزمین دریایی نیز بر پایه کنوانسیون حقوق دریاها در بردارنده صلاحیت و حاکمیت در آب‌ها است. افزون بر این، چنین شیوه‌ای در موارد زیر نیز استفاده شده است:

The Art 1(m) Of The Protocol To The Bosnia-EC Stabilization Agreement(2008), The Art 1(m) Of The Protocol To The EC-Serbia Association Agreement(2008)

۱۴. دانشمندان حقوق بین‌الملل دو نظریه را در مورد ماهیت حقوقی دریای سرزمینی پذیرفته‌اند. تعدادی از آن‌ها با الهام‌گیری از فلسفه حقوق طبیعی، دریای سرزمینی را ادامه دریای آزاد و جزئی از آن می‌دانستند، اما دسته دیگر بیان می‌کنند که قلمرو کشورها تنها قلمرو خشکی آنان نیست، بلکه قلمرو آبی یا دریایی آنان را نیز دربر می‌گیرد؛ بنابراین، حقوق کشورها در دریای سرزمینی، مانند حقوق آن‌ها در قلمرو خشکی است. این به آن معنا است که کشورها در دریای سرزمینی خود نیز حاکمیت خود را به گونه‌ای مطلق اعمال می‌کنند. (ر.ک: رابین چرچیل و همکاران. ۱۳۸۵. حقوق دریاها، ترجمه بهمن آقایی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش، صص ۱۰۴-۹۸).

۱۵. بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

۱۶. ماده ۱۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

17. Art 57 of UNCLOS.

18. Ibid, art 55.

۱۹. بند ۱ ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

۲۰. بند ۶ ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

۲۱. ماده ۸۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

۲۲. بلکه «آزادی دریاهای آزاد مطابق با شرایط مقرر در این کنوانسیون و سایر قواعد حقوق بین‌الملل اعمال می‌شود. این آزادی هم برای کشورهای ساحلی و هم برای کشورهای محصور در خشکی دربردارنده موارد زیر است: ۱) آزادی دریانوردی؛ ۲) آزادی پرواز بر بالای آن؛ ۳) آزادی نصب خطوط لوله و کابل‌های زیردریایی؛ ۴) آزادی ساختن جزایر مصنوعی و تأسیسات مجاز دیگر به موجب حقوق بین‌الملل؛ ۵) آزادی ماهیگیری؛ ۶) آزادی تحقیقات علمی».

۲۳. اینکه تفکر مذاکره‌کنندگان اتحادیه اروپا درباره سرزمین، یکنواخت نیست و رویکردهای خاصی داشته‌اند و این رویکردها به سه شکل متفاوت هستند که می‌توان برای هر یک از آنها نام جداگانه‌ای برگزید، توسط نویسندگان مقاله حاضر مطرح شده است و تاکنون در هیچ مقاله داخلی و خارجی‌ای وجود نداشته است.

24. Article 1.3 Of The TIP Between The Canada – EU CETA (2016). Under Geographical Scope Of Application, Available at: <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/treaty-files/3593/download>

۲۵. همچنین، ماده ۱ (۱۰) «معاهده منشور انرژی (۱۹۹۴)» در این راستا با انتخاب رویکرد صریح چنین عنوان داشته است، «منطقه در مورد یک دولت به معنای زیر است: الف) سرزمین تحت حاکمیت آن دولت، و از این حاکمیت چنین برداشت می‌شود که سرزمین دربردارنده خشکی، آب‌های داخلی، و دریای سرزمینی است؛ و ب) برپایه حقوق بین‌الملل دریاهای «دریا»، «بستر دریا»، و «زیر بستر» دریا را دربر می‌گیرد، تا آنجا که آن دولت می‌تواند حقوق حاکمه و صلاحیت خود را اعمال کند. ر.ک:

The Art 1(10) of the Energy Charter Treaty (1994), Available at: <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/by-economy>, accessed 3 may 2020

26. The Art 1(m) Of the Protocol To The EC-Serbia Association Agreement (2008).

27. The Art 1(m) Of the Protocol To The EU-Montenegro Association Agreement (2007).

28. Art 1(m) Of The Protocol to the Bosnia-EC Stabilization Agreement (2008).

29. Art 115 of EU-SADC EPA Group Agreement (2016).

30. Available At, <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98013> Accessed 15 February 2020, And Art 1(4) Of The Iran, Islamic Republic of - Spain BIT (2002).

31. CACM (Central American Common Market) - EU Association Agreement (2012).

32. Art 360 of the CACM - EU Association Agreement (2012). and also the art 2 of Appendix to the EC-Ukraine Cooperation Agreement in Respect of Ukraine (1994), the art 1(m) of the Albania-EC Association Agreement (2006), The art 1(m) of the Annex III to the EC-OCT Association (2001), The art 1(m) of the Protocol to the EC-Jordan Association Agreement (1997), The art 1(m) of the protocol to the EC-Palestine Association Agreement (1997).

۳۳. چنان‌که در ماده ۴۶ موافقت‌نامه آنکارا (۱۹۹۵) و همچنین، ماده ۱ و ماده ۲ پروتکل موافقت‌نامه همکاری میان جامعه اروپا و تونس (۱۹۹۵) شاهد آن هستیم.

34. EU-Viet Nam Investment Protection Agreement (2019), Available at:

<https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/treaty-files/5868/download>
accessed 13 may 2020

۳۵. موافقت‌نامه ارتقا و حمایت از سرمایه‌گذاری میان دولت سنگاپور و ایران (۲۰۱۶) در دسترس در:

<https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/treaty-files/5694/download> ۱۳۹۹ فروردین

۳۶. مانند بند الف ماده ۲۲ موافقت‌نامه همکاری تاجیکستان اتحادیه اروپا (۲۰۰۴) یا ماده ۳۴ موافقت‌نامه همکاری اقتصادی الجزایر جامعه اروپایی (۲۰۰۲).

۳۷. معاهده مورداشاره در رأی دیوان، موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری دوجانبه میان جمهوری چک و آلمان (۱۹۹۰) است.

38. Deutsche Telekom AG v. the Republic of India, Permanent Court of Arbitration Case No. 2014-10, Available at: <https://investmentpolicy.unctad.org/investment-dispute-settlement/cases/550/deutsche-telekom-v-india>. also see <https://www.iisd.org/itn/2019/06/27/india-found-in-breach-of-bit-with-germany-by-uncitral-tribunal-in-respect-of-agreement-for-lease-of-electromagnetic-spectrum-trishna-menon/> accessed 28 January 2020

۳۹. با این حال در موارد نادر مشاهده می‌شود که برخی از معاهدات، هیچ توجهی به سرزمین ندارند (knahr, 2009: 42). همان‌گونه که، اتحادیه اروپا نیز در «موافقت‌نامه همکاری میان لبنان و جامعه اروپا (۲۰۰۲)» هیچ رویکردی از رویکردهای سه‌گانه صریح، ضمنی، و سکوت را در نظر ندارد!

۴۰. این الگو نیز مانند رویکردها، توسط نویسندگان پژوهش حاضر طراحی شده است.

41. EU - Georgia Association Agreement (2014), Available at: <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/countries/78/germany>

42. EU - Viet Nam Investment Protection Agreement (2019), Available at: <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/countries/78/germany>

۴۳. در اینجا ایکسید در مورد صلاحیت دیوان پیش از ورود به ماهیت، تصمیم‌گیری کرد.

۴۴. بر پایه بند ۱۱ از بند ۲ ماده ۱ موافقت‌نامه حمایت از سرمایه‌گذاری میان سنگاپور و اتحادیه اروپا (۲۰۱۸) فعالیت اقتصادی در بردارنده هرگونه فعالیت با ماهیت اقتصادی است، به‌جز فعالیت‌های انجام‌شده در راستای اقتدار حاکمیتی مانند فعالیت‌های انجام‌شده بدون پایه تجاری یا بدون رقابت با یک یا بیشتر فعالیت‌های اقتصادی.

45. Part 4 (a) Of Canada- EU CETA TIP.

۴۶. که یکی از معاهدات دارای مقررات سرمایه‌گذاری (تیپ) است که اتحادیه اروپا نیز به عضویت آن درآمده است.

47. Art 1(5) (b), Available at: <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/treaty-files/2427/download>, accessed 14 may 2020

48. Art 1(5) (b) Of The Energy Treaty, Seline Trevisanut, Nikolaos Giannopoulos, p 796.

۴۹. سریلانکا

۵۰. وجود ارتباط با سرزمین دولت میزبان، عنصری است که به شناسایی اینکه چه سرمایه‌گذاری‌هایی مورد حمایت معاهدات سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرند و در راستای آن، حوزه اعمال صلاحیت مادی مقرراتشان کجاست، کمک می‌کند.

همان‌گونه که قاضی، سانتیاگو تورس، در نظریه مخالف خود در قضیه "Ambiente Ufficio" بر این نظر بود که موضوع پیوند سرزمینی با تعریف سرمایه‌گذار و همچنین، صلاحیت شخصی دیوان داوری ارتباط می‌یابد، زیرا بر پایه بند ۲ ماده ۱ معاهده سرمایه‌گذاری میان آرژانتین و ایتالیا، یکی از الزامات حمایت از سرمایه‌گذار، سرمایه‌ای است که در سرزمین آرژانتین باشد. ر.ک:

Ambiente Ufficio SPA and others v the Argentine Republic, ICSID Case No ARB/08/9, Dissenting Opinion of Santiago Torres Bernárdez, 2 May 2013, para 132. see, Caroline Kleiner, Francesco Costamagna, p 5.

۵۱. نه تنها شعبه یا کارکرد خاصی از بانک.

۵۲. ایکسید در این دعوی، ادعای خواهان را پذیرفت.

۵۳. چنان‌که در دعوی "Deutsche bank v. Sri Lanka" ماهیت عملیات، جنبه خاصی از سرمایه‌گذاری است.

۵۴. همچنین برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

J, Dingwall, « International investment protection in deep seabed mining beyond national jurisdiction». *Journal of world investment & Trade* 19, 2018, 890-929.

۵۵. بند ۳۰ ماده ۱ ماده ۸۷ و ماده ۱۱۲ کنوانسیون حقوق دریاهای.

۵۶. البته بر پایه ماده ۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ آزادی استقرار خطوط لوله و کابل مشروط به در نظر گرفتن قواعد کنوانسیون

یادشده و حقوق بین‌الملل است.

۵۷. ماده ۸۹ کنوانسیون ۱۹۸۲.



منابع

- Abadikhah, Mostafa. (2017). *The relationship between international law of the sea and maritime law*. Tehran: Khorsandi Publishing. (in Persian).
- Abaclat and others. v. Argentine Republic (ICSID Case No. ARB/07/5), 4 August 2011, para. 374.
- Ambiente Ufficio SPA and others V. the Argentine Republic, Dissenting Opinion of Santiago Torres Bern´ardez, ICSID Case No ARB/08/9,2 May 2013, para 132.
- Bungenberg, Marc.; Griebel, Jörn.; Hobe, Stephan. & Reinisch, Auqst. (2015). *A handbook of international investment law*. (Kooperationswerke Beck - Hart – Nomos). 1. Edition.
- Brake, Doug. (April 2019). Submarine cables: critical infrastructure for global communications, information technology & innovation foundation.
- Brown, Chester. (2013). *Commentaries on selected model investment treaties*. London: Oxford University Press. 1 edition.
- Blusun S.A.Jean-Pierre Lecorcier and Michael Stein v. Italian Republic, ICSID Case No. ARB/14/3 para 129.(Counter-Memorial, para. 284.)(ICSID).
- Bernhard von Pezold and Others v. Republic of Zimbabwe, (ICSID Case No. ARB/10/15)
- Canada - EU CETA(2016)
- CACM (Central American Common Market)-EU Association Agreement (2012).
- Clare, Margaret. (2018). Is there a nationality of investment? origin of funds and territorial link to the host state. *Series on International Arbitration*, No. 8.
- Churchill, Robin. (2006). *The law of the sea*, translated by Bahman Aghaei. Fourth Edition. Tehran: Ganj-e-Danesh. (in Persian).
- Christopher, R. Zheng. (2016). The territoriality requirement in investment treaties: a constraint on jurisdictional expansionism. *Journal of Singapore Law Review*, Vol. 34.
- Cotula, Lorenzo. & Berger, Thierry. (April 2020). Blue economy: why we should talk about Investment Law. *International Institute for Environment and Development*, 17746IIED, 1-4.
- Carter, L.; Burnett, D. Drew.; S, Marle G.; Hagadorn L, Bartlett-McNeil D. & Irvine N. (2009). Submarine Cables and the Oceans – Connecting the World. *UNEP-WCMC Biodiversity Series*, No.31. ICPC/UNEP/UNEP-WCMC.
- Deutsche Telekom AG v. the Republic of India, Permanent Court of Arbitration Case No. 2014-10.
- DEUTSCHE BANK AG V. SRI LANKA ICSID CASE NO. ARB/09/02, para 222.
- Dissenting Opinion of Mr. Bernardo M. Cremades, Fraport AG Frankfurt Airport Services Worldwide v. Republic of the Philippines (ICSID Case No. ARB/03/25),para 36.
- Emilio Agustín Maffezini v. The Kingdom of Spain, ICSID Case No. ARB/97/7, para 1,2 & 83.
- EU - Japan Economic Partnership Agreement (2018).

- EU - SADC EPA Group Agreement (2016).
- EU - Viet Nam Investment Protection Agreement (2019).
- Fraport AG Frankfurt Airport Services Worldwide v. Philippines, (ICSID Case No. ARB/03/25).
- Freeman, Nick J. & Bartels, Frank L. (November 11, 2004). *The future foreign investment in Southern Asia*. Routledge.
- Fach, Gómez.; Katia, Gourgourinis. & Anastasios, Titi. (August 6, 2019). *International investment law and the law of armed conflict (European Yearbook of International Economic Law)*. Springer publisher. 1st ed.
- Guo, Rongxing. (November 6, 2017). *Cross-Border resource management*. Elsevier publisher. 3 edition.
- Gustav F W Hamester GmbH & Co KG v. Republic of Ghana, (ICSID Case No. ARB/07/24, 2007)
- Hasibi, Beh Azin. (2011). *Government and foreign investors: international standards*. Tehran: Shahr-e Danesh. (in Persian).
- International Law Commission (ILC). (2006). Fragmentation of international law: difficulties arising from the diversification and expansion of international law. *Conclusions of the Work of the Study Group' UN GAOR 61st Session Supp*, No 10, UN Doc A/61/10, 407,410, para 15.
- International law commission. (1966). Draft articles on the law of treaties with commentaries, art 25, para 2.
- ILC. (1962). *Yearbook of the International Law Commission*, Vol. II.
- InterTrade Holding GmbH v. The Czech Republic, (UNCITRAL, PCA Case No. 2009-12).
- Inmaris Perestroika Sailing Maritime Services GmbH and Others v. Ukraine (ICSID Case No. ARB/08/8), para 282.
- InterTrade Holding GmbH v. The Czech Republic, UNCITRAL, PCA Case No. 2009-12, para 239.
- ICSID Case No. ARB/94/2, Award, 29 April 1999, RLEX-11, para 118.
- ICSID Case No ARB/02/6, para 99.
- ICSID Case No. ARB/07/24, 2007, para 126.
- J, Dingwall. (2018). International investment protection in deep seabed mining beyond national jurisdiction. *Journal of world investment & Trade* 19, 890-929.
- Julien, Chaisse. (December 21, 2017). *International investment treaties and arbitration across Asia (Nijhoff International Investment Law Series)*. Brill | Nijhoff. Lam edition.
- Kashar, Oliver. (2011). *International trade law*, translated by Rasoul Rezaei. Tehran: Mehr and Mah Publications. (in Persian).
- Koivurova, Timo.; Stępień, Adam.; Mikko Strahlendorf.; Mikko, Gunnar Sander.; Sigmar, Arnarsson.; Michał, Łuszczuk.; Kim, van Dam.; Annette, Scheepstra., & Kirsi, Latola. (september 2014). *Strategic assessment of development of the Arctic*. Norwegian Polar Institute.

- Knahr, Christina. (September 19, 2009). *Investments in the territory of the host state*. of the book *international investment law in the 21st century: essays in honour of christoph schreuer*. Oxford University Press. 1 edition.
- Kleiner, Caroline., & Costamagna, Francesco. (3 september 2018) Territoriality in Investment Arbitration: The Case of Financial Instruments. *Journal of International Dispute Settlement*, issue 9, pp. 315–338
- Kastrisios, Christos., & Tsoulos, Lysandros. (1 July 2017). Maritime zones delimitation– Problems and solutions. *Proceedings of the International Cartographic Association*, p 2, Retrived from: <https://www.researchgate.net/publication/318278189>> accessed 8 January 2020 and Office of Legal Affairs, *Handbook on the Delimitation of Maritime Boundaries*, United Nation Publication, Sales No. E.OI.V2, 2000
- Kumar, Dinesh. (April-June2017). Doctrine of Territorial nexus. *International Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, Vol. No. 7, Issue No. II.
- Matin Daftari, Ahmad. (2008). *The evolution of international maritime law*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publishing. (in Persian).
- Marie, France. (2006). *Novel features in recent oecd bilateral investment treaties*. OECD Directorate for Financial and Enterprise Affairs. International Investment Perspectives.
- Mom, Ravin. (March-December2005). *Law of the sea; maritime boundaries and dispute settlement mechanisms*. United Nations-The Nippon Foundation Fellow Germany.
- Md, Monjur Hasan.; AbHe, Jiana.; Wahidul, Alama., & M Azam Chowdhury. (2018). Protracted maritime boundary disputes and maritime laws. *Journal of international maritime safety, environmental affairs, and shipping*, VOL. 2, NO. 2.
- Markos, Karavias. (2018). Submarine Cables and Pipelines: The Protection of Investors Under International Law. *Journal of World Investment & Trade*, No.19.
- Matsuura, Soma. (2017). Territorial Limitations of investment, Master Programme in Investment Treaty Arbitration. UPPSALA university. Department of Law. spring term.
- Oko Pankki Oyj, VTB Bank (Deutschland) AG and Sampo Bank Plc v. The Republic of Estonia, (ICSID Case No. ARB/04/6).
- Palmer, Felgate., & Booi, P. (2016). How resilient is the global submarine cable network? Conference of Emerging Subsea Networks – The World’s Expanding Treasure, Dubai from the 18th - 21st April 2016, pp. 1-7, Retrived from, <http://www.suboptic2016.com/>, accessed 3 June 2021.
- PCA Case No. 2014-03, para 203.
- Roach, Ashley. (2014). Today's Customary International Law of the Sea, *Journal of the Ocean Development & International Law*, Vol. 45, Issue 3.
- Repousis, Odysseas G. (winter 2017). The Application of Investment Treaties to Overseas Territories and the Uncertain Provisional Application of the Energy Charter Treaty to Gibraltar. *ICSID Review-Foreign Investment Law Journal*, Vol. 32, Issue 1.

- Rens. Kamerling. (2018). Developing an explanatory model for the firm investments in submarine optic telecommunication cables, Master of Science.
- SGS Société Générale de Surveillance SA v Republic of the Philippines, ICSID Case No ARB/02/6, Decision on Jurisdiction (29 January 2004) para 99.
- Shaw, M. N. (December 1982). *Territory in international law. netherlands yearbook of international law*. Cambridge University Press, Volume 13.
- Sun, Louis. (2011). *International law of the seas*. translated by Mohammad Habibi Majandeh Tehran: Jangal Publications. (in Persian).
- Talaei, Farhad. (2013). *International law of the seas*. Tehran: Jangal Publications. (in Persian).
- The Directorate General of Legal Affairs. (23 January 2001). *Expression of consent by states to be bound by a treaty analytical report and country reports, committee of legal advisers on public international law*. Publish by Council of Europe. Strasbourg.
- the protocol to the EC-Palestine Association Agreement(1997).
- The Energy Charter Treaty (1994).
- the CACM - EU Association Agreement (2012).
- the EC-Ukraine Cooperation Agreement(1994).
- the EC-Georgia Cooperation Agreement(1996).
- The south China Sea Arbitration,PCA case N 2013-19, Award 12 July 2016, paras 257-258 & 800.
- Tradex HellasSAv. Albania (“Tradex”) (ICSID Case No. ARB/94/2, Award, 29 April 1999, RLEX-11).
- Trevisanut,Seline., & Giannopoulos, Nikolaos. (2018). Investment Protection in Offshore Energy Production: Bright Sides of Regime Interaction. *Journal of World Investment & Trade*, No 19.
- UNCTAD. (2012). *Transparency, UNCTAD Series on Issues in International Investment Agreements II*, Published by United Nation. New York and Geneva.
- United Nation Convention on the Law of the Sea 1982 (UNCLOS).
- UNGA Res 71/257 (23 December 2016) UN Doc A/RES/71/257.
- Wallace, Rebecca. (2013). *International law*. Sweet & Maxwell Publisher. 7th edition.
- Wintershall V.Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/04/14, para 180.
- <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/countries/98/iran-islamic-republic-of#tips>
- <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/treaty-files/5694/download>
- <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/countries/78/germany>